

پیکار کردستان



حق تعیین سرنوشت
حق مسلم خلقهاست

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان ۵۹۹/۱۵ بها ۲۵ ریال

کتابخانه ایرانی شهرانز
iranische Bibliothek in Hannover
9861

نظاھرات ۱۵۰۰ نفری دانش آموزان سقز

۱۲۰ نفر توسط پاسداران ارتجاع دستگیر شده اند



شیوه جدید هیئت حاکمه

قتل عام منظم زحمتکشانشان کرد

اخباری که میرسد حکایت از عمق جنایت و فاجعه دارد : در ایند رقاش ۴۶ نفر، صوفیان ۳ نفر، یوسفکند ۶ نفر، رُسر و گانی ۷ نفر و ... به فجیعترین شکلی بدست جلادان رژیم جوهپوری اسلامی قضا شده اند. در زخمیان آنها را بهر گیار گلوله بستند، چشمانشان را از حدقه در آوردند، و بدن بی جانیشان را تکه تکه کردند. مهاجمین پس از کشتار و غارت اموال و دار و ندار زحمتکشانشان روستاهای فوق خانها و انبارهای علوفه را به آتش کشید و از زمین بردند و تلی از خاکستر بر جای گذاشتند. این جنایات وحشیانه که بصورت قتل عام روستائیان بیگناه انجام می گیرد بی اختیار قتل عام تودهای مردم توسط فاشیستهای هیتلری در جنگ بقیه در صفحه ۲

دفاع طلبان و جنبش مقاومت

- رزمندگان: آتش بس و مسئله ای بنام جبهه سوم
- راه کارگر : صلح پایدار و دفاع از مرزها

در تاریخ احزاب سیاسی همواره لحظاتی پیش می آید که آنها با یستی این بیان اتفاق " غیر مترقبه " در روند مبارزه طبقاتی و تغییر و تحولات اجتماعی را بسرعت تجزیه و تحلیل کرده و تاکتیک مناسب با آنرا اتخاذ کنند. در چنین لحظاتی است که جریانات مختلف واقعیت مشی و مواضع خویش را بطور آشکاره نمایش میگردانند. در این بقیه در صفحه ۵

ضربات پیشمرگان پیکار بر پیکر نیروهای سرکوبگر رژیم

در تاریخ ۱۲ / ۸ / ۵۹ در مسیر جاده کامیاران - سنندج بین دو بیگانه دشمن (مروارید - مله کیو) و در نزدیکی آبادی " بوانه " یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار (دسته شهید مسعود) به کمین نیروهای دشمن نشستند و رساعت ۲۰ و ۵ دقیقه بعد از ظهر یک جیب فرماندهی ارتش با پنج سرنشین مورد حمله قرار گرفته و یکی در هم

کوبیده شد که بعد از طی مسافتی حامل جاشو باسد ار که در پی جیب ارتشی در حرکت بود توسط پیشمرگان متوقف گردید که چون جای هیچگونه گریزی نداشتند میخواستند تسلیم شوند ولی به علت اینکه تنی چند از آنان قصد مقاومت مقابله بسا بقیه در صفحه ۸

حزب دمکرات در دفاع از مالکین

صفحه ۱۷

مهاباد : مبارزه و مقاومت توده ها همچنان ادامه دارد

صفحه ۱۱

جاشهابه جان هم افتاده اند
صفحه ۱۶

صفحه ۱۳

حملات گسترده پیشمرگان کومه له به مزدوران رژیم

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

سرمقاله

دوم جهانی، تروریستهای صهیونیست در فلسطین (دیرپاسین) اوپریالیست های آمریکائی را در ویتنام (می لای) در خاطرهای زنده میسازد. جنایت هایی که نشان دهند ما هیتارتجاعی رژیم و عاملین این کشتارهاست، که در سرکوب خلق کرد و توده های ستمدیده ایران از هیچ وحشیگری و درندمخوئی فروگذار نکرده و نمی کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که اینک درگیر جنگ با رژیم ضد خلقی بعث عراق است، در هفته های اخیر همراه با تشدید جنگ، برکشتار توده های خلق کرد افزود ما است. امروز سیاست سرکوب رژیم، بصورت گوناگون در سراسر کردستان پیاده میشود، روستاهای منطقه سردشت چون "میرآوا" و "واوان" و "آبایا" فانتومهای آمریکائی میکوبد روستاهای منطقه کامیاران را، خمپاره باران میکند. در شهرها موج خفقان، ترور و اعدام راه انداخته است، و اینک در منطقه نقده، شهرویران و پیرانشهر به قتل عام روستائیان بیدفاع کرد دست میزند. این سیاست کل رژیم بوده و جناحهای مختلف آن بر سر سرکوب خلق کرد و سایر توده ها میثاق وحدت بسته اند. اما آنچه که این قتل عامها را، ویژگی میبخشد، شکل اجرا و اهدافی است که عاملین آن بدنبالش هستند. این شکل از سرکوب سیاست

و عملکرد باتداهای معینی از حزب جمهوری اسلامی است که در اتخاذ اشکال و شیوه های سرکوب ملاحظه کردی برادران گبیرال خود را نسازند سیاستهای این باند ها در آذربایجان غربی بوسیله افرادی چون "ملاحسنی" (امام جمعه نماینده مجلس شورا) و "معبودی" ساواکی سابق و زمیندار بزرگ منطقه نقده، نمایندگی و اجرا

میشود.

آنها عاملین اصلی بریائی جنگ نقده قبل از نوروز ۵۸ کشتارهای روستاهای "تارنا" و "قلاتان" بودند و اینک در شرایطی که جنگ ارتجاعی رژیم و عراق در جریان است، و انفسکار عمومی توده های خلق متوجه اخبار و حوادث جنگ و فشار اقتصادی و بار سنگین ناشی از آن میباشد، از فرصت استفاده کرده، منظم و با برنامه دست به قتل عام توده های کرد میزنند. هدف این قتل عامها ایجاد رعب و وحشت در میان روستائیان کرده، استتار به این وسیله با ترساندن زحمتکشان کرد، آنها را به عدم حمایت از پیشمرگان جنبش مقاومت وادار سازند.

"ملاحسنی" که در میان توده های ناآگاه رتوهم زده ترک نفوذ دارد، توانسته است با استفاده از موقعیت خود، جنگ تبلیغاتی وسیعی بر علیه جنبش مقاومت خلق کرد بر راه اندازد. او سعی میکند احساسات توده های ترک را به بازی گرفته، جنگ میان خلق کرد و رژیم را جنگ شیعه و سنی و ترک و کرد نشان دهد. بدینوسیله توده های ترک را بر علیه خلق کرد بسیج نماید. متأسفانه در اجرای این سیاست ننگین تا حدودی نیز موفق بوده است. بطوریکه در شهر نقده بسیاری از "ترکها" مسلحند و در کمیته های نقده و یاد بسیج مستضعفین فعالیت میکنند. و عملاً بصورت مجریان سیاستهای عمال رژیم چون ملاحسنی و معبودی درآمد مآند.

تبلیغات عوامفریبانه رژیم و عملایش چون ملاحسنی ها، ذهن اهالی ترک منطقه را با ایده های مسموم ناسیو-نالیستی و تعصبات مذهبی آغشته است و مانع تشخیص حقایق از جانب آنها میشود. رژیم از "پاک نیتسی" توده ها سوء استفاده میکند و آنها را به جنگ برادر کشی می کشاند. نا-

آگاهی توده ها از طرف رژیم بصورت سلاحی برضد همبستگی و اتحادشان بکار گرفته میشود و به این ترتیب تخم کینه و نفرت در دل زحمتکشان ترک و کرد بارور میشود.

اما آنچه که در تحلیل این نوع شیوه سرکوب از طرف رژیم میبایست مورد توجه قرار گیرد، اینست که دشمن دچار ضعف و زبونی است امبری که در جریان دو دوره جنبش مقاومت به اثبات رسیده است. هیئت حاکمه در جریان جنبش مقاومت از اینکه نتوانسته است جنبش خلق کرد را سرکوب کند، چون ما ر زخم خورد های به خود می پیچد. از اینروست که بر سرکوب خلق می افزاید سیاست تشدید سرکوب سیاست "میثاق وحدت" و جناح اصلی رژیم یعنی "لیبرالها" و حزب جمهوری اسلامی است. لیکن "لیبرالها" که سیاست "جماع و نان شیرینی را بخوبی آموخته اند از چنین شکل سرکوبی ناراضی اند و از آن در مبارزه بر علیه حریف خود-

حزب جمهوری اسلامی استفاده خواهند کرد، در حالیکه خود فرمان بمباران و خمپاره باران روستاهای کردستان را امضاء میکنند!

اما انعکاس این سیاست در جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای سیاسی آن چیست؟ در برابر این حرکات رژیم در منطقه دو سیاست و دو تاکتیک یکی انقلابی و دیگری ضد انقلابی، خود را نشان میدهد. نیروهای انقلابی و کمونیست معتقدند که در اتخاذ تاکتیک مناسب میبایست اساسی را برد و عامل قرار داد، مقاومت متود ما و برادری خلقها. حقانیت جنبش مقاومت و عادلانه بودن آن در این است که نه فقط برای حق تعیین سرنوشت خود مبارزه میکند، بلکه جزئی از مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران است. و به این بقیه در صفحه ۱۸

نظارات ۱۵۰۰ نفری دانش آموزان سقز

مبارزه و مقاومت خلق کرد بر علیه هیئت حاکمه ضد خلقی و ارگانهای سرکوبگر آن به اشکال مختلف ادامه دارد. تظاهرات اخیر دانش آموزان مبارز سقز جلوه ای از این مبارزه است تظاهرات به این ترتیب آغاز گشت که دانش آموزان مبارز سقز پس از دو روز تجمع در رابطه با بازگشائی مدارس و برگزاری امتحانات تجدیدی دست به یک راهپیمائی زدند. روز ۹/۱۰ تعدادی از دانش آموزان که تعدادی از هواداران چریکهای (اکثریت) نیز در میان آنها بودند در جلو آموزش و پرورش اجتماع نموده و خواهان باز شدن مدارس گردیدند. روز بعد تعدادی دیگر از دانش آموزان در رابطه با امتحانات تجدیدی و اعتراض به نتایج امتحانات در همان محل گرد آمدند. بعد از بحث و افشاگری هواداران پیکار و کومله حرکتی سیاسی و اعتراضی بر روی محور بازگشائی مدارس شروع به شکل گرفتن نمود. هواداران (اکثریت) با تهیه توماری با ۱۴۰ امضا و تأیید جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی "سعی نمودند حرکت اعتراضی را در محدوده صنفی و رفیعیستی نگه داشته و مانع از آن شوند که این حرکت به یک اعتراض گسترده سیاسی علیه رژیم تبدیل گردد. اما کار متشکل و فعالانه دانش آموزان

انقلابی منجر به راهپیمائی اعتراضی روز بعد (۱۱/۱۰/۵۹) از محل آموزش و پرورش به سوی میدان "هملو" گردید. دانش آموزان در مسیر خود با دادن شعارهایی همچون "مدارس سنگر افشاکری"، "مرگ بر آمریکا مرگ بر ارتجاع" تنفر خود را از رژیم ضد خلقی و امپریالیسم آمریکا نشان دادند و مورد استقبال وسیع توده ها قرار گرفتند. در میدان "هملو" به هنگام خواندن قطعنامه، دانش آموزان که بیش از ۱۵۰۰ نفر بودند و اکثریت آنان را دانش آموزان دختر تشکیل میدادند، مورد هجوم جاشها مزدور و پاسداران ارتجاع قرار گرفتند. در این هجوم سرکوبگران خلق دست به تیراندازی زمینی و هوایی زدند که منجر به زخمی شدن ۳ نفر گردید. پاسداران با کمک زدن وحشیانه دانش آموزان و در حالیکه بیشرمانه آنان را "ستون پنجم" و "ضد انقلاب" و ۰۰۰ می نامیدند، بیش از ۲۰ نفر را دستگیر نمودند، که در همان محل مورد اعتراض مردم قرار گرفتند. روز بعد پاسداران سقز در توجیه اعمال ارتجاعی خود اطلاعیه ای صادر نمودند که در آن خود را "مرجع نهایی حل مشکلات اجتماعی" (حتمابزور چماق و ژ.۱۳) دانسته و هرگونه تظاهرات را در شرایط جنگ بنبغ آمریکا

خوانده است (گوئی قبل از جنگ تظاهرات آزاد بوده است و اینان دست به سرکوب هر حرکت اعتراضی نمی زدند!) در این اطلاعیه سپاه پاسداران تهدید کرده است که "جلوی هرگونه تظاهرات را خواهد گرفت و با دستگیرشدگان بشدت رفتار خواهد نمود." گوئی این جنبش دانش آموزی و بیوژه در شهر سقز نبود که چه در جریان جنبش مقاومت اول و چه اکنون بارها با سرکوب خونین تیرباران و زندان رویرو بوده است. دانش آموزان مبارز سقز تاکنون دهها شهید، دهها آذگشسب، دهها عطا طائی و ۰۰۰ در راه آزادی زحمتکشان فدا نموده اند. این بار نیز دستگیری، زندان و اعدام و همه ای ندارند. رژیمهای ضد خلقی از جمله رژیم شاه خائن هم ادعای نمود که "جلوی هرگونه تظاهرات را خواهد گرفت" ولی خشم توده ها همچون پستی آنها در هم کوبید. جمهوری اسلامی نیز چنین ادعایی را مینماید و بی تردید سرنوشتی بهتر از آن رژیم نخواهد داشت. در ادامه اعلامیه "پاسداران" آمده است که "چه میشود که جوانان سقز یکسال و یا ۰۰۰ (خدا میداند چند سال!) درس نخوانند و حداقل کک را به این وسیله به انقلاب بکنند؟" آری آن "انقلاب" (بخوان ضد انقلاب) که این مرتجعین منادی آن باشند لازمه ←

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

اش عدم آگاهی توده ها و بسته شدن مدارس، این سنگرهای آزادی است. سپاه پاسداران در اعلامیه شان دلیل بستن مدارس را چنین گفته اند " چنانکه اطلاع دارید آموزش و پرورش منطقه در ابتدای بازگشائی مدارس راهنمایی اعلام عدم برگزاری امتحانات تجدیدی را نموده بود و دبیرستان را تا پاکسازی کامل از عناصر وایسته به از نخواهد نمود." منظور پاسداران از "عناصر وایسته" همان معلمان و دانش آموزان انقلابی هستند که در جهت آگاهی و دفاع از منافع خلق مبارزه می کنند. اما این خود بهانه ایست برای اینکه امکان تجمع دانش آموزان دبیرستان را که از آگاهی بالاتری برخوردارند را بگیرد. رژیم سپاه پاسداران هم از همین تجمع متوحشند، زیرا میدانند که تجمع دانش آموزان انقلابی به تظاهرات سیاسی و افشاگری علیه رژیم بدل خواهد شد. از این جهت وظیفه همه دانش آموزان انقلابی سقز و همچنین دانش آموزان سایر شهرهای کردستان می باشد که با پشتیبانی فعال خود و سایر کارافشاگران وسیع و با اشکال دیگر مبارزه از جمله تظاهرات، موجبات آزادی محصلین زندانی را فراهم نمایند بر طبق آخرین اطلاعات، رسیده عده زیادی از بستگان دانش آموزان زندانی روز پنجشنبه ۱۳/۹ در جلوی مقر سپاه پاسداران تجمع نموده و خواهان آزادی دانش آموزان زندانی شده بودند. پاسداران ارتجاع برای پراکندگی نمودن مردم نازنجکی به میان آنان پرتاب نموده که منجر به شهادت یک نفر و یک سربچه و همچنین زخمی گردیدن دوزن شده

است. خانواده های زندانیان وزخمی شدگان اعتراض را به نقاط دیگر شهر گسترش داده و در همه جا از پشتیبانی وسیع مردم برخوردار شده اند. در رابطه با تظاهرات حقوق و برای موفقیت هرچه بیشتر جنبش دانش آموزی، لازم می دانیم توجه دانش مبارزان به چند نکته جلب نمائیم:

۱- دانش آموزان انقلابی میبایستی توجه داشته باشند که در شرایط فعلی هر خواست صنفی را میبایست به خواست سیاسی ارتقا داد و تلاش نمود تظاهراتی را که بر مبنای خواسته های صنفی شروع میگردد به تظاهرات سیاسی بدل نمود. روزیونیستهای رنگارنگ ("اکثریت"، "توده" و...) کوشش میکنند میازرات دانش آموزی را در محدوده صنفی و قابل قبول برای رژیم نگهدارند. باید چنین کوششهایی را افشا کرده مبارزه صنفی را به مبارزه سیاسی ارتقا داد و تلاش کرد که مبارزات سیاسی مستقل را سازمان نماند.

۲- در تظاهرات باید شعارهایی را مطرح نمود که نه تنها مبین خواست های صنفی و سیاسی دانش آموزان باشد بلکه خط فاصل ما را با روزیونیستها و سازشکاران، خط فاصل انقلاب و ضد انقلاب را نیز روشن ترسیم نماید. میبایست سعی کرد شعارهایی را انتخاب نمود که از نظر محتوی و حتی شکل با شعارهای روزیونیستها مشابه نیاشد. شعار میمانند "مرگ بر آمریکا" "مرگ بر ارتجاع" و یا "دانش آموز میزمد ارتجاع میلرزد" و همچنین شعارهایی در باره جنگ ارتجاعی اخیر که میتوان از نشریات سازمان بدست آورد شعار

های سیاسی مناسبی هستند که بایستی تبلیغ گردند.

۳- افشا و طرد سیاست و برنامه روزیونیستها بعنوان یک محور تبلیغی ترویجی میبایست همیشه در دستور کار باشد تا آن دسته از هواداران صالقی آنها را بتوان بسمت نیروهای انقلابی و خط انقلاب سوق داد.

۴- بیشترین تعداد دانش آموزان باید در هر تظاهرات شرکت نمایند و این میسر نخواهد بود مگر با کار فعالانه و برنامه معدن و بردن آن به میان وسیع ترین توده های دانش آموزی. خواست های تظاهرات و شعارهای آن بایستی در میان توده های هرچه بیشتری از دانش آموزان تبلیغ شود تا تظاهراتی هرچه گسترده تر علیه رژیم انجام گردد.

۵- جنبش دانش آموزی بدون پیوند با جنبش زحمتکشان نمیتواند تداوم و عمق پیدا نماید. بنابراین شعارها و خواسته های آن باید در میان زحمتکشان شهر تبلیغ گردد تا توده های وسیع خلق فعالان از آن پشتیبانی و حمایت نمایند. تظاهرات میبایستی به محل تجمع توده همکشانیده شود. پس بطور خلاصه، گسترش مبارزات سیاسی و ارتقاء مبارزات صنفی به سطح سیاسی، ترسیم خط فاصل با روزیونیستها و افشا و طرد آنان، شرکت فعال، با برنامه، با شعارها و سازماندهی مناسب توده ای کردن هرچه بیشتر مبارزه و کشاندن آن به میان زحمتکشان و ۱۰۰ این است آنچه دانش آموزان انقلابی در ادامه همه جانبه مبارزه خود و دفاع از جنبش مقاومت بایستی انجام دهند.

دفاع طلبان و جنبش مقاومت

مواقع است که جریان‌های مختلف واقعیت‌های مضمون خویش را بطور آشکار به نمایش می‌گذارند. در این لحظات گرایش‌های موجود در تفکر حاکم بر هر جریان در شرایط عادی، بشکل برجسته و پرنسب خود را در موضع و شعارهایی که این جریان در این لحظه مطرح می‌سازد به عیان نشان می‌دهند. شعارهایی که چه بسا نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری و سرنوشت این جریان بازی کنند.

اکنون نیز در لحظه حساسی از روند مبارزه طبقاتی و تخییر و تحولیات در جامعه مان قرار داریم. انعکاس جنگ میان رژیم جمهوری اسلامی و رژیم عراق که ظاهراً ناگهانی و غیره مترتبه بود در مواضع اتخاذ شده توسط نیروهای مختلف جنبش کمو-نیستی، عمق گرایش‌های موجود در نقطه نظرات و تفکر حاکم بر آنها را در تحلیل‌ها و شعارهایشان با روشنی نشان داده و سمت حرکت آنها را تا حدود زیادی تعیین نموده است.

در اینجا مایه کوشش مواضع نیروهای که در جنگ اخیر موضع دفاع طلبی اتخاذ کرده‌اند را نسبت به مبارزه خلق کرد و حرکت هیئت حاکمه در کردستان در شرایط کنونی با توجه به نکات فوق مورد بر-

رسی قرار داده و نشان دهیم که چگونه نتیجه محتوم "دفاع طلبی" در رابطه با جنگ ایران و عراق، ارائه تزه‌های سازشکارانه در قبال مبارزه خلق کرد، تبلیغ سازش طبقاتی در کردستان و دامن زدن به توهم توده‌ها نسبت به هیئت حاکمه و در نهایت خدمت به بورژوازی است. در این جهت، مواضع "رزمندگان" و "راه‌کارگر" را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رزمندگان

و مسئله‌ای بنام "جبهه سوم"

سازمان رزمندگان در شماره ۳۲ نشریه خود در مقاله‌ای تحت عنوان "آتش بس در کردستان به نفع خلق‌های ماست" بعد از مقداری وقایع نگاری و توصیف ادامه سرکوب خلق کرد توسط نیروهای سرکوبگر رژیم در شرایط جنگ ایران و عراق، از موضع خویش اعلام می‌دارد: "با وجود آنکه خلق قهرمان کرد آماده است تا برای جلوگیری از تجاوز ارتش بعث عراق همه توان و قدرت خود را به کار اندازد و توانایی آنها هم دارد که برخلاف نیروهای ارتشی و پاسدار که شهر قصر شیرین را در حالت فرار ترک کرده و منهنم شده‌اند، کاملاً در مقابل نیروهای متجاوز بعث عراق ایستادگی کند و با وجود آنکه دولت جمهوری اسلامی اعلام کرده است که شهرهای سر-

دشت و بانه توسط عراق بمباران شده‌اند و ۲۰۰۰ با وجود همه اینها ارتش و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شهرهای کردستان و در حال حاضر مهاباد را وحشیانه به توپ می‌بندد و مردم را کشتار و یا در میان کوهها سرگردان کرده‌اند" و سپس ادامه می‌دهد "دشمنی هیئت حاکمه با خلق کرد بیشتر است تا با رژیم بعث متجاوز عراق. به این دلیل است که به جای گشودن جبهه سوم بر علیه متجاوزین عراقی در کردستان، به جای اینکه اعلام آتش بس نماید و جنگ با خلق کرد را خاتمه دهند (!) همچنان به محاصره اقتصادی نظامی و کشتار خلق کرد ادامه می‌دهد (تاکیدات باد و خط از ما و یا یک خط از خود رزمندگان است).

نقل قول فوق که جوهر مقاله و دیدگاه امروز رزمندگان را نسبت به مبارزه خلق کرد و حرکت رژیم نشان می‌دهد اولاً رابطه میان رژیم جمهوری اسلامی و خلق کرد را که رابطه‌ای است میان انقلاب و ضد انقلاب مخدوش کرده و این نتیجه را القاء می‌نماید که گویا منافع مشترکی میان هیئت حاکمه و خلق کرد وجود دارد و ثانیاً در مقابل جنبش مقاومت نه ادامه مقاومت و مبارزه، بلکه توقف یا تخفیف آن و همسوس شدن و در یک جبهه قرار گرفتن با رژیم قرار می‌دهد.

رزمندگان رابطه میان انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش می‌کند، زیرا

دفاع طلبان و... واقعیت را بطه موجود میان خلق کرد و رژیم حاکم که رابطه ای است خصمانه و آشتی ناپذیر و به همین دلیل بصورت مقاومت و مبارزه خلق کرد علیه هیئت حاکمه تجلی یافته است را وارونه جلوه می دهد " رزمندگان میگوید: " با وجود آنکه خلق کرد ۰۰ آماده است ۰۰ در مقابل رژیم عراق ایستادگی کند ۰۰ ارتش ۰۰ شهرهای کردستان را به توپ مینندد " ، معنی این حرف اینست که خلق کرد رابطه با جنگ ایران و عراق و برای شرکت در آن اعلام آمادگی کرده و حاضر به توقف یا تخفیف مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی شده ولی " با وجود این " رژیم به سرکوب خود ادامه میدهد در اینجا نه تنها واقعیت موجود در کردستان و موضع نیروهای سیاسی فعال در آن تحریف شده است بلکه این ایده به خواننده القا میشود که گویا رژیم بطور کلی قابلیت طبقاتی توجه به خواستهای خلق کرد و برآوردن آنها را دارد ، و اگر چنین نمی کند امر تعجب انگیزی است . رزمندگان متعجب است که چرا رژیم حتی در شرایط جنگ با عراق به سرکوب خلق کرد ادامه میدهد .

وقتی دفاع طلبی به صلح طلبی روپزیر نهیستی تبدیل میشود

" رزمندگان " در این " تعجب " و در واقع ناثر از دیدگاه انحرافیش نسبت به ما هیئت طبقاتی رژیم جمهوری

اسلامی ، از یک طرف از رژیم بازخواست می کند ، که چرا خلق کرد را سرکوب می کند و " جبهه سوم " علیه رژیم عراق باز نمی کند ، و از طرف دیگر به خلق کرد رهنمود میدهد که همسو و در کنار رژیم " جبهه سوم " را

موجود به هیچوجه آماده اعلام آتش بس تخفیف مبارزه علیه رژیم حاکم نیستند ، توده های خلق کرد و نیروهای انقلابی فعال علیه رژیم آنگونه که " رزمندگان " قلمد - اد می کند ، دچار " دفاع طلبی "

● " رزمندگان " اولاً رابطه میان رژیم جمهوری اسلامی و خلق کرد را که رابطه ای است میان انقلاب و مخدوش کرده و این نتیجه را القا می نماید که گویا منافع مشترکی میان هیئت حاکمه و خلق کرد وجود دارد و ثانیاً در مقابل جنبش مقاومت نه ادامه مقاومت و مبارزه ، بلکه توقف یا تخفیف آن و همسو شدن و دربرگیرنده قرار گرفتن با رژیم را قرار میدهد .

علیه رژیم عراق بوجود آورد (البته اینکه در این میان " صف مستقل " چه شد و این " صف مستقل " در شرایطی که رژیم است که " جبهه سوم " را می گشاید دیگر چه مفهومی پیدا میکند ، سئوالی است که " رزمندگان " بایستی پاسخگو باشد . " رزمندگان " در حالی که بیش از یکسال از سرکوب بی امان و خونین خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد انتظار دارد که رژیم به همین سادگی اعلام آتش بس نماید و جنگ را با خلق کرد " خاتمه " دهد !!

نیستند و ماهیت جنگ را نه از زاویه " تهاجمی " و " تدافعی " بودن آن ، بلکه بر اساس سیاستی که جنگ در ادامه آن بوجود آمده طبقاتی که جنگ را به پیش میبرند ، ارزیابی می کنند ، بنا بر این علیه آن موضع میگیرند و تنها راه مقابله با آنرا بسط و گسترش جنبش مقاومت میدانند . آنها از ادامه و حتی گسترش سرکوب (توجه شود به سلسله کشتارهایی که در روستاهای اطراف ارومیه و نققه انجام میگیرد) متعجب نیستند زیرا یکی از اهداف جنگ را بدرستی

واقعیت اینست که خلق کرد و نیروهای انقلابی فعال کردستان نه تنها به دلیل ماهیت ارتجاعی جنگ میان رژیم های ایران و عراق خواهان شرکت در آن نیستند بلکه اینک ضمن ادامه مبارزه و مقاومت علیه رژیم جمهوری اسلامی بعنوان دشمن اصلی آماده اند هرگونه تجاوز رژیم بعثت در کردستان را ردهم بگویند) بلکه مشخصاً در شرایط کنونی و با وضع

تشدید سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی توسط همین رژیم جمهوری اسلامی می میدانند ، امری که تمام نقاط ایران مصداق پیدا کرده است . علاوه بر خلق کرد در تجربه خونین خود در یافته است که نمی توان با درخواست های عاجزانه و بانصیحت رژیم را به دادن امتیاز و مثلاً اعلام آتش بس وادار نمود بلکه تنها گسترش جنبش



دفاع طلبان و...
 وکشاندن رژیم به موضع ضعف است که آنرا به عقب نشینی وا میدارد. گذشته از اینکه، حتی اگر رژیم در شرایطی تن به آتش بس بدهد در آن شرایط نیز خلق کرد با توجه به توازن قوا و اوضاع عمومی جنبش و با شروط مشخص حاضر به قبول چنین آتشی خواهد بود.

اینها اصول ابتدایی و حقایق روشنی است که به سادگی توسط "رزمندگان" به فراموشی سپرده شده اند. فراموشی‌ای که نتیجه منطقی در غلتیدن "رزمندگان" به "دفاع طلبی" و تشدید گرایشات رویزیونیستی در آنهاست.

رزمندگان در گذشته چه می‌گفت؟

واقعیت اینست که "رزمندگان" گذشته ای نه چندان دور خود به این حقایق اعتراف داشت و بر آنها پای می‌فشرد. "رزمندگان" آنزمان که سازمان چریکها (اکثریت) در ادامه و تشدید گرایشات رویزیونیستی اش و تحت همین بهانه که خطر امپریالیسم آمریکا و تجاوزات عراق و عوامل پالیزیان وجود دارد به طرح شعار "صلح عادلانه" برای تحکیم "مبارزه ضد امپریالیستی" پرداخت و از هیئت حاکمه خواهلن قطع سرکوب و برقراری "صلح" در کردستان شد در "بیک رزمندگان" در

برخورد به بیانیه مشترک سازمـن چریکها (اکثریت) و حزب دمکرات نوشت: "۰۰۰ نه، سازمان چریکها فراموش نکرده بلکه در صلح جویی فقط یک اشتباه کوچک مرتکب شده و صلح

تنها میتوان در یکی از دو وجهه جنگید یا در کنار کارگران و زحمتکش یاد رکنار دشمنان زحمتکشان ۰۰۰" (تاکیدات از ماست)

بنظرمی رسد جماعات فوق روشن

● "رزمندگان" در حالی کمیش از یکسال از سرکوب بی امان و خونین خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد انتظار دارد که رژیم به همین سادگی اعلام آتش بس نماید و جنگ را با خلق کرد "خاتمه دهد"!!

را از بالا ئیها از بنی صدر و فروهر از کسانی که خودشان جنگ کردستلن را براه انداخته اند خواستار است (تاکید از ماست) و بعد از مقداری توضیح ادامه میدهد: "می بینیم در هر دو حال این مقاومت جانپازانه خلق کرد بود که هیئت حاکمه را وادار به صلح زمناکر کرده و نه صلح طلبی محافظی از هیئت حاکمه ۰۰۰ آیا صلح باقبول استقرار پاسداران و ارتش باقبول بازس گرفتن همه گونه آزادی های خلق کرد، با قبول سرکوب مبارزک خلق کرد، می تواند مطلوب خلق کرد باشد و آیا هیئت حاکمه جز با ایسن شرایط حاضر است به صلح تن دهد؟ تقاضای صلح از هیئت حاکمه بمعنای عقب کشاندن مبارزه خلق کرد و سعی در سازش بین خلق کرد و دشمنان خلق کرد و خلقهای سراسر ایران است".

صلح در کردستان تنها با مقاومت هرچه بیشتر خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن در مقابل تهاجمات هیئت حاکمه میتواند برقرار گردد ۰۰۰ در تدابیر یک مبارزه و در نهایت

تراز آنست که احتیاج باشد باز هم به توضیح و تفسیر موضع اخیر "رزمندگان" بپردازیم. ولی ممکن است "رزمندگان" مطرح کنند که امروز اوضاع فرق کرده است و ایران مورد هجوم عراق و امپریالیسم قرار دارد و دیگر نمی توان مانند گذشته استدلال نمود هر چند چنین جوابی نیز نمی تواند توجیهی بر مواضع امروز "رزمندگان" و تغییر احکام "بیک رزمندگان" باشد. ولی با این حال به خود "رزمندگان" مراجعه می کنیم تا ببینیم حتی در صورت پیش آمدن چنین شرایطی "رزمندگان" در گذشته چه گفته است. در "رزمندگان" شماره ۱۵ در مقاله تحت عنوان "راه کارگرد دفاع از میهن یا مبارزه طبقاتی" در اواخر مقاله چنین میخوانیم "ما بعنوان افراد کمونیست وظیفه داریم، توده هارا حول اساسی ترین مسائل، حول آن جریانی که راه را برای انقلابو برای پایان بخشیدن به وضع موجود هموار می کند، بسج نمائیم، ما وظیفه داریم شرایط را

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

ضریبات پیشمرگان پیکار بر پیکر نیروهای سرکوبگر رژیم

پیشمرگان را داشتند هدف رگبار بی امان پیشمرگان قرار گرفتند و کلیه سر نشینان آن کشته و زخمی شدند تعداد تلفات دشمن در این درگیری ۱۰ نفر کشته و بقیه بسختی مجروح شدند . بعد از حمله ، پیشمرگان در حالی که سرود می خواندند به آرامی عقب نشینی نمودند و همگی سالم به پایگاه خود بازگشتند . بعد از این حمله دشمن از پایگاه های خود جادو مناطق اطراف را وحشیانه مورد حمله سلاح های سبک و سنگین خود قرار داد و با این عمل عمق وحشت خود را از نیروهای مسلح خلق نشان داد در ضمن دشمن بعلا ترس از وجود پیشمرگان در محل درگیری زخمی های خود را تا صبح روز بعد به حال خود گذاشته بود که دوتن دیگر از مزدوران بر اثر خونریزی زیاد به لاکت رسیدند . این مسئله نشان میدهد که این رژیم برای جان سرسپردگان خود نیز هیچ ارزشی قائل نیست .

کامیاران

بعد از دو روز متوالی دره سیر جاده سنندج - کامیاران یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار دسته شهید امیر بین دو پایگاه هلنوشان و گاوشان به بازدید ما - شینهای مسافری می پردازند . سرانجام در تاریخ ۳۰ / ۸ / ۵۹ در ساعت ۷ بعد از ظهر یک دستگاہ ماشین سیمرغ مجهزه یک تیربار کالیبر ۵۱ و تعدادی زیادی مهمات به کمین پیشمرگان افتاد و زیر رگبار شدید پیشمرگان قرار می گیرد در اثر این حمله قهرمانانه کلیه سر نشینان آن کشته میشوند و کسی راننده آن که زخمی شده بود

موفق میشود ماشین را از کمین خارج کرده اما تلاشش بیهوده بود و ماشین در پیچ بعدی کمین به دوره سقوط می کند و پیشمرگان بعد از درگیری به بازدید ماشینها و پخش اعلامیه و افشاگری می پردازند .

مریوان

۲۳ / ۸ / ۵۹ - بعد از ظهر این روز پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید حسین و دسته شهید کریم) در جاده گاران به کمین جاشها و پاسداران نشستند سپس به سر جاده رفته و به کنترن ماشینها و افشاگری برای مسافرین پرداختند . در طی بازرسی ماشینها یک کامیون خاور که حامل پانزده بشکه قیر و هزار متر گونی بود و برای ساختن سنگر و مقر پاسداران به مریوان برده میشود ، مصادره گردید پس از تحقیقات لازم چون ماشین شخصی بود بار آن تخلیه شده و ماشین تحویل راننده گردید .



۱۲ / ۸ / ۵۹ - دو دسته از پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید حسین و دسته شهید کریم) ضمن جوله در منطقه گاران در روستای "وشکین" مقداری آرد و گندم یک جاش را مصادره کرده و بین مردم آبادی تقسیم نمودند .

* خبرهای فوق با کمی تغییر به نقل از " اخبار جنبش مقاومت سنندج " شماره ۳۳ می باشد

مهاپاد

۲۹ / ۸ / ۵۹ در این روز پیشمرگان سازمان پیکار به کنترل جاده مهاپاد میاند و آب پرداختند آنها ضمن بازرسی ماشینها به افشاگری در باره علل واقعی جنگ ایران عراق و جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در

قتل عام روستاهای کردستان پرداخته و در باره اهداف عادلانه جنبش مقاومت برای مسافرین صحبت کردند . پیشمرگان سازمان در جریان این بازرسی ها ، آنفراز عوامل وابسته به رژیم را دستگیر کردند ■



دفاع طلبان و

آنطور که هست بررسی کنیم . نه مانند اپورتونیستها این خائنین به انقلاب تا اولین جرقه از تغییر شرایط پدیدار گردید خود را ببازیم و فریب بر آوریم : ایها الناس همه با هم همه با هم حول مبارزه با امپریالیسم متحد شوید ! . . . نباید لحظه ای مبارزه توده ها را بر علیه هیئت حاکمه ضد انقلابی تخفیف داد بعکس تهدید انقلاب اینک از ناحیه همین هیئت حاکمه می باشد ، هرگاه امپریالیسم به ایران تجاوز نماید که مامفصلا آنرا بررسی کردیم ، آنگاه ما هرگز امر کسب قدرت ، امر انقلاب ، امر مبارزه طبقاتی و رهبری پرولتاریا را بطور عملی فراموش نخواهیم نمود " (تاکبیت با یک خط از ماستویاد و خط از زمندگان ولی متاسفانه اکنون " زمندگان " از همه حرفهای فوق عدول کرده و همان موضعی را اتخاذ نموده که خود در بالا به آن می تازد . " زمندگان " از " بالائینها " تقاضای صلح می کنند . با تغییر شرایط ، شعار همه با هم علیه امپریالیسم را سر میدهند ، در حالیکه مسئله تجاوز امپریالیستی مطرح نیست (اگر مطرح بود چه میشود ؟) و امر کسب قدرت ، انقلاب و مبارزه طبقاتی را بطور عملی فراموش کرده است بقیه در صفحه ۱۰

جوله (گشت سیاسی) پیشمرگان پیکار در روستاها

کار سیاسی و فعالیت آگاهگرانه یکی از محورهای فعالیت نیروهای انقلابی در کردستان می باشد که در پیوند تنگاتنگ با عملیات نظامی پیش برده می شود.

شکل عمده تبلیغ سیاسی در کردستان "جوله" (گشت سیاسی) است و پیشمرگان جنبش مقاومت همیشه در کنار فعالیتهای نظامی خود به "جوله" نیز می پردازند و از این نه تنها به کار آگاهگرانه و برقراری ارتباط وسیعتر با توده های مردم پرداختند بلکه تشکلهای توده های را نیز در مناطقی که زمینه آن وجود داشته باشد سازمان می دهند. تشکلاتی نظیر شوراهای آبادی، شورای خوشنشینان دفتر جوانان مبارز و نیروی مسلح مقاومت توده های (هیزی بمرگری) معمولاً در حین جوله و دیگر فعالیتهای سیاسی موجود می آیند. پیشمرگان نیروهای انقلابی در همین جوله ها که دهقانان رایه مصادره زمینها و اموال ارباب تشویق نموده و از آن پشتیبانی می کنند.

با توجه به اهمیت جوله در جهت بردن آگاهی طبقاتی به میان زحمت کشان است که پیشمرگان سازمان پیکار در کنار فعالیتهای نظامی خود فعالانه به جوله در روستاها دست می زنند و از این طریق نیز به پیوستن مرد وظایف مبارزاتی خوبی می رسد. گزارشات زیر چند نمونه از این فعالیتهای پیشمرگان سازمان در کردستان جنوبی می باشد که با کمی تغییر از اخبار جنبش مقاومت سنندج شماره ۳۳ نقل می نمایم.

۱۳/۸/۵۹ - در این روز پیشمرگان پیکار (دسته شهید مسعود) در آبا دیهای اطراف کامیاران (بلوچه سعظم آباد - مامس - برتاله و...) جوله کرده و ضمن سخن رانی های خود ماهی تندوب و سیله ستهای ضد خلقین را افشا کردند. در این دهات با وجود اینکه برای اولین بار بود که پیشمرگان میان این مردم می رفتند با استقبال پر شور آنها روبرو شدند. روستائیان عموماً از فشارهای اقتصادی ناشی از سیاستهای دولت و فشاری که پاسداران برای جمع آوری مواد غذایی از روستائیان به آنها وارد میکردند شکایت داشتند و خواهان ماندن پیشمرگان در کنسار خود بودند.

۱۵/۸/۵۹ - در این روز ضمن جوله پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید مسعود) در آبادیهای اطراف کامیاران، در آباگذ "دریند عزیز" خوشنشینان با مراجعه به پیشمرگان خواستار تقسیم زمین خالصه اربابی بین خود گردیدند. این زمینها بعد از فرار مالکان در تملک عدای از دهقانان که خود زمین داشتند قرار گرفته و بهر برداری میشد بعد از تحقیق حقانیت ادعای خوشنشینان مبنی بر اینکه زمین خالصه اربابی تا بحال تقسیم نشده و توسط این عده از زارعین صاحب زمین غصب گردید و با توجه به اینکه بهره برداری از این اراضی حق خوشنشینان است زمین خالصه اربابی در اختیار آنها قرار گرفت و قرار شد که ۹ خانوار خوشنشین بشکل دسته جمعی زمین را کشت

نموده و مورد بهر برداری قرار دهند. پیشمرگان با بحث اقناعی با کشاورزان آنها را متوجه اشتباه خود نمود و آنان نیز با دادن زمین به خوشنشینان موافقت نمودند.

در همین آبادی مقداری درخت گردوی مالکی وجود داشت که با تقاضای مردم جهت روشن نمودن وضع آن قرار بر این شد که جمع آوری محصول و بهره برداری از این درختان هر سال بطور دسته جمعی انجام گرفته و به نسبت مساوی بین تمام آبادی تقسیم گردد و درختان خشک نیز به مصرف سوخت مسجد آبادی اختصاص داده شد.

۱۶/۸/۵۹ - در این روز پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید مسعود) جهت مصادره اموال یکی از فقودالهای خونخوار منطقه عازم روستای "گمشک میر" از دهات کلیایی منطقه سنقر شدند. بهمن خان امیری این فقودال معروف را تمام اهالی منطقه بخوبی میشناسند و از مظالم وی بخوبی آگاهند این شخص علاوه بر استثمار زحمتکشان و بردن دسترنج آنها و کشتن بیگاری از آنها رده ها بور و ستم معمول دیگر به عدای از دختران و زنان زحمتکش و ستمدید منطقه و قیحانه تجاوز زکرده بود و کسی را که جرأت می کرد به این اعمال ننگین اعتراض نماید و حسیانه می کشت یا مورد ضرب و شتم قرار میداد. شدت ظلم و غارتگری و رعب و وحشتی که از طرف بهمن خان امیری به این مردم روا میشد و به حدی بوده که با وجود اینکه بعد از قیامها رشد مبارزه زحمتکشان و ساقط شدن قدرت ارباب به تمام زمینها و اموال مالکین توسط زحمتکشان روستاهای دیگر

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

مصادره شده بود، آنها هنوز از اموال مالك حفاظت میکردند و جزات مصادره آنرا نداشتند. از اموال موجود مالك در ده تعداد ۱۰۱ رأس گوسفند چهار رأس گاو و چهار گوساله بود که پیشمرگان قصد تقسیم آنرا بین اهالی آبادی دادند. شتند ولی با توجه به اینکه هیچ يك از اهالی بخاطر احتمال حمله جاشها و پاسداران در پشتیبانی از ارباب جزا قبول این اموال را نداشتند ناچار این اموال بنفع جنبش مصادره شده و از منطقه خارج گردید. مردم آبادی بسا وجود ترس از مالك، از پیشمرگان پشتیبانی کرده و از مصادره شدن گله مالك ابراز خوشحالی می نمودند بطور کلی مناطقی که تحت نفوذ پیشمرگان می باشد و نیروهای انقلابی در آنجا کار آگاهگران نمودند توده های کشاورزان توان ویتانسیل انقلابی خود آگاه بودند و سرعت دست اربابها را از سر خود کوتاه نمودند. در حالیکه در مناطقی که کار آگاهگران کافی انجام نگرفته و از طرف دیگر خطر حمله نیروهای سرکوبگر رژیم بیشتر می باشد، کشاورزان از سوی از توان انقلابی خود شناخت لازم راندانند و از سوی دیگر از حملات انتقامجویانه نیروهای سرکوبگر رژیم در حمایت از ارباب در هراس می باشند و ما شاهد برآمد شدید مبارزه طبقاتی نمی باشیم. از جمله این مناطق اطراف سنقر کلیایی می باشد که روستائیان از ترس حمله نیروهای رژیم و ارباب حاضر به تصرف اموال ارباب نشدند از این رو کار آگاهگران در این مناطق یکی از وظایف مهم ما می باشد و تاکنون پیشمرگان سازمان در این زمینه هم در کنار وظایف نظامی خود فعال بوده اند.

دفاع طلبان و ...

"زمندگان در گذشته بد رستی" دفاع از میهن "بورژوازی را در نقطه نظرات راه کارگر" تشخیص داد و علیه آن به مبارزه برخاست، لیکن امروز که بایستی نشان دهد که از منافع خلق ها و پرولتاریا دفاع می کند و نه از میهن بورژوازی به نظرات گذشته اشریشت کرده و آنها را به طاق نسیان کوبیده است، "زمندگان" امروزه با "صفت مستقل" از میهن بورژوازی دفاع می کند!

وظیفه خلق کرد

حفظ مرزها یا ادامه انقلاب؟

اکنون نگاهی بهم برخورد راه کارگر بیفکنیم: راه کارگر که با شروع جنگ کباره (یکباره؟) تمام مواضع گذشته خود را در مورد نقش و مضمون جنبش مقاومت در مبارزه ضد امپریالیستی فراموش نموده است. بر همه واقعبینان گذشته و امروز، در رابطه موجود میان رژیم جمهوری اسلا می و خلق کرد چشم می پوشد و چونان کسی که خواهان پایان دادن دعوا میان دو نفری است که دعوایشان در نتیجه يك سوء تفاهم وجود آمده است به یاد آوری اصول برادری و "حسن تفاهم" می پردازد و بهم رژیم درس اخلاقی دهد!

در اعلامیه مورخ ۱۳/۷/۵۹ "راه کارگر کردستان" تحت عنوان "شرایط حمله بعثی های جنایتکار به خاک میهن و اوج گیری توطئه های امپریالیسم برقراری آتش بس در کردستان و قطع سرکوب خلق کرد" يك ضرورت فوری است. "آمد" است: "تودهای کرد برای به

انجام رساندن وظیفه خود در قبال خلقها و زحمتکشایان ایران به عنوان پاسداران مرزهای غربی کشور یا اینچنین مانعی بصورت سرکوبگریان از جانب رژیم جمهوری اسلامی مواجه گشته اند. در صورتی که طرف شدن این مانع، بی گمان این خلق قهرمان با بهره گیری از تجربه و رزم آوری فرزندان انقلابی خود خواهد توانست جنبه تازه ای بر علیه رژیم ضد خلقی بعثت گشوده و توان کم نظیر خود، در زمینه پاسداری از مرزهای غربی میهن را به نمایش بگذارد.

"راه کارگر" در اینجا اولاً هدف مبارزه خلق کرد و وظیفه ای که این خلق (یا مبارزه آن) در قبال دیگر خلقهای ایران دارد را تحریف کرده و وارونه جلوه میدهد: ثانیاً - با جنبش خلق کرد به گونه ای برخورد می کند که گویا سوء تفاهمی باعث جنگ میان رژیم و خلق کرد شده است. که در نتیجه میتوان بیا یاد آوری به اصطلاح ضرورت تفاهم آنرا خاتمه داد و ثالثاً همچون "زمندان" گان "خلق کرد را عملاً دعوت به توقف مبارزه با دلانه خویش و همراهی با رژیم جمهوری اسلامی در مقابل بعثت" می کند.

ما می پرسیم آیا وظیفه خلق کرد در قبال دیگر خلقهای ایران پاسداری از مرزهای غربی کشور است؟! - آنگونه که راه کارگر ادعا می کند. یا پیشبرد مبارزه انقلابی خود بعنوان جزئی از مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران برای نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به انجام رساندن انقلاب ناتمام ایران؟ چرا خلق کرد اسلحه بدست گرفت و دست به مقاومت و مبارزه مسلحانه زد؟ آیا چون مرزهای غربی کشور مورد هجوم بقیه در صفحه ۱۳

مه‌آباد
مبارزه و مقاومت
توده‌ها
همچنان ادامه دارد

چند ماهی است که شهر مه‌آباد، بعد از کشتار بیش از ۳۰۰ نفر از مردم آن و ویران شدن شهر بوسیله توپ و خمپاره بدست نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی با اصطلاح فتح شد شده است. ولی آیا این کشتار و وحشیگری، خمپاره باران و به توپ بستن شهر و در نهایت تصرف آن، می‌توانست مردم دلاور مه‌آباد را از مبارزه باز دارد؟ هرگز! زحمتکشان مه‌آباد علی‌رغم سرکوب خونین، تیرباران و شکنجه و زندان لحظه‌ای دست از مقاومت و مبارزه نکشیده و نخواهد کشید. نمونه‌های زیر گوشه‌ای است از اعمال ضد خلقی ارتش و پاسداران و مبارزات توده‌های مردم این شهر علیه رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای ضد انقلابی رنگارنگ چون سازمان چریک‌های (اکثریت) و حزب توده بایستی بدانند که خون شهیدان جنبش مقاومت همچنان در رگ‌های زحمتکشان می‌جوشد و مبارزه آنها تا نابودی ستم ملی و طبقاتی ادامه خواهد یافت.

پنج شنبه ۸/۱ پاسدارها یا ۵ نفر کشته و زخمی شدند. مردم مشغول حفر سنگرد ردخانیات هستند. از ترس عملیات تلافی جویانه پاسدار- مردم با تنفر نظاره‌شان می‌کنند هر هابسرعت دکانها را بسته و به خانه کس به شکلی تنفر خود را نشان می‌دهد های خود رفتند. نیروهای سرکوبگر زنی می‌گفت کاش چشمانم کور بود هرگز این جنایتکاران رانی دیدم.

جمعه ۸/۲ شب هنگام دو پاسدار کشته شدند. آیابیشمرگان جنبش مقاومت لحظه‌ای آنها را آرام خواهند گذاشت؟

شنبه ۸/۶ پاسدارها به دکانی که مردم برای خرید روغن جلوی آن ازدحام نموده بودند حمله کرده و روغن‌ها را به "خانه جوانان" می‌برند تا با نظارت خود بفروش برسانند. عده زیادی از مردم از خرید روغن صرف‌نظر نموده و حاضر به رفتن به "پاسدار خانه" نگشتند. مردم نفرت خود را به هر شکلی و در هر محلی نشان می‌دهند.

پنج شنبه ۸/۸ - امروز صبح یک میگ عراقی در آسمان ظاهر شد و آژیر خطر به صدا درآمد. مردم همه برای تماشا به کوچه و خیابان ریختند.

پنج شنبه ۸/۱۵ - امروز یک جاش بوسیله مبارزین شهر کشته شد. همه مردم خوشحالند. اما خوشحالی طولی نمی‌کشد. خبر قتل عام روستاهای اطراف به شهر رسیده است. مردم از این قتل عامها بشدت خشمگینند هر کس نظری می‌دهد اما همه معتقدند که بایستی دست به



یکشنبه ۸/۱۱ - پاسدارها بطور جمعی و مسلحانه در شهر رفت و آمد می‌کنند. به هنگام عصر نازنجکی بداخل ماشین ارتشی پرتاب شده ۴

ننگ و نفرت پرازش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع



مقاومت مسلحانه زد .
حتی کسانی که قبلا محافظه کاری
نموده در جنبش فعالانه شرکت نمی
نمودند . اینک مبارزه راتنها چاره
می دانند .

شنبه ۱۷ / ۸ - دوزخ است که در
شهر بطور مداوم صدای تیراندازی
بگوش می رسد . پاسدارها در میدان
آرد هر کسی را که یافتند دستگیر نمودند
بیش از صد نفر دستگیر شدند که بعد
در انرفشار توده ها مجبور به آزاد
کردن عده ای از آنها شدند . عصر
بود که با خمپاره نیز یکی از خیابا -
نهای شهر را کوبیدند . دو نفر به
شهادت رسیدند . با تمام این تیر -
اندازیها و خمپاره انداختن روحیه
مردم خوب است .

یکشنبه ۱۸ / ۸ - امروز صبح
پاسداران به خانه ماموستا شیخ -
عزالدین حمله نموده و اسباب محقر
منزلش را به غارتبردند . مردم خشم
خود را از این عمل پنهان نمی کنند
تقریبا همه دکانها تعطیل است .

سه شنبه ۲۰ / ۸ - عده ای از مبارزین
شهر را امروز تیرباران نمودند . همه
تاراحت هستند . در مراسم عزاداری
مردم به تمام رژیم ضد خلقی از بالا
تا پائین دشنام می دهند . اما چند
توده ای همچون عجزه های پیر لجر
پراکنی می کنند و گناه را بر گردن
پیشمرگان می اندازند . افشای
قاطعانه این مزدوران ، آنان را
فراری میدهد و کانهای بازار همچنان
تعطیل است

پنجشنبه ۲۲ / ۸ - پاسداری که
در نزدیکی دخانیات مشغول شعار

نویسی بود مورد حمله واقع شد و مجروح
گردید

یکشنبه ۲۵ / ۸ - عده ای جاش
و پاسدار امروز کوچه های مختلف
خیابان وفایی را خانه گردی کرده و
چند نفر را دستگیر کردند . پاسداران
همچنان در خیابانها به گشت می
پردازند و افراد با اصطلاح مشکوک را
توقیف می کنند . یکی از توده ایها
نیز امروز بوسیله " برادران " پاسدار
خود دستگیر شد .

جمعه ۳۰ / ۸ - چند روز است که
مرتب صدای تیراندازی میاید . با -
سداران دست به خانه گردی و
آزار و اذیت مردم زده و تهدید نمو -
ده اند از این پس در جواب هر گلوله
یک خمپاره بداخل شهر خواهند
انداخت . توگویی عنم مردم برای
مقابله با سرکوبگران بوسیله خمپاره
و توپ در هم خواهد شکست !
مردمی که هر روز زندگی شان به
مبارزه بر علیه رژیم ضد خلقی می
گذرد ، در برابر توپ و خمپاره و با
تیرباران و زندان لحظه ای آرام
نخواهند نشست .

۹ / ۷ - مردم شهر اوایل صبح
برای خرید مایحتاج روزمره و ایستادن
در صفهای مختلف به خیابانها میرو -
ند . حدود ساعت ۱۰ یا ۱۱ دکان
های شهر اکثر تعطیل می شود و
همه مردم خیابانها را ترک نموده و
به کوچه های مختلف شهر پناه می
برند . شهر از خیابانها به -
کوچه ها منتقل شده
است . چه اینکه جاش و پاسدارها
همراهی ارتش هر کس را که در خیابا -

بانها بیابند دستگیر نموده و به پاد -
گان می برند . در کوچه ها غوغائی د یگر
برپاست . جوانان انقلابی شهر
با نصب درشت نویسی و پخش
اعلامیه و خبرنامه در آگاهی توده ها
می کوشند . مردم اینجا و آنجا
بدور هم جمع شده و بحث میکنند
گاهی یکی از هواداران سازمان
چریکها (اکثریت) و یا شاید هم " توده ای "
را می توان دید که یاد رجال تبلیغات
ضد انقلابی علیه جنبش خلق می -
باشند و یاد رجال جاسوسی برای
" برادران " پاسدارشان . اما مبارزه
در شهر ادامه دارد . چشمه های
آگاهی از این سوی و آن سوی کوچه های
شهر می جوشد ، بهم می پیوندند و رود
آگاهی و مبارزه همچنان به پیش می رود

جاشها . . .
و فرومایگی آنها را بیش از پیش
به توده ها نشان میدهد .
آری امروز جاشهای " مکتبی " و
جاشهای " غیر مکتبی " به جان
یکدیگر افتاده اند ، و یکدیگر را پاره
پاره میکنند . همچنانکه استخدام
کنندگان آنها بهشتی ها و بنی صدرها
به جان هم افتاده اند . حکایت
آنها حکایت سگهای قطبی است
که برای سهم بیشتری جان یکدیگر
می افتند و یکدیگر را پاره پاره میکنند .
اما بگذر از آنها به جان یکدیگر
بیفتند ، خلق کرد مدتهاست آنها
را طرد نمود فاست ، نفرت مادرانی که
فرزندانشان شهید شدند ، و
گلوله های آتشین پیشمرگان انقلابی
نثارشان یاد توده ها و نیروها حانقلابی
به مبارزه خود برای نابودی کام -
دشمنان خویش بیش از هر زمان
دیگر ادامه خواهند داد بگذار دشمن
از وحشت مبارزه توده ها بر خود بلسرز
توده ها به حرکت درآمد مانند !

حملات گسترده پیشمرگان کومله به مزدوران رزگاری

در هفته‌های آخر آبان ماه پیشمرگان قهرمان کومله طی یکسری عملیات منظم، سپاه مزدور رزگاری را از بخشی از منطقه "ژاورو" (هورامان) یا اورامان تا بیرون راند و منطقه را وجود آنسان پاک ساختند در جریان این عملیات تعدادی از مزدوران رزگاری خلع سلاح شده و دوتن از مسئولان آنان بنامهای "شیخ شهاب" و "شیخ رضوان" دستگیر شدند. این مزدوران در حضور مردم رابطه خود با رژیم بعث اعتراف کردند.

آخرین عملیات پیشمرگان کومله علیه مزدوران رزگاری در تاریخ ۲۸/۸/۵۹، ۳/۹/۵۹ انجام گرفت که در جریان آن پایگاه اصلی آنها در روستای "ده" تسخیر شد و عددی زیادی از این مزدوران به هلاکت رسیدند. در این عملیات انقلابی فرمانده نظامی نیروهای پیشمرگه کومله در سنندج رفیق علی گلچینی بانام سازمانی "صلاح رمی" و هم‌رزمش کاک صالح بوری‌ری بشهادت رسیدند و خون خود را وثیقه پیروزی خلق کرد و همه حلقهای ایران ساختند. مادر این بیا یاد پیشمرگان شهید رفقا علی گلچینی، صالح بوری‌ری و علی

قمری را که در مبارزه برای پاک کردن کردستان از لوث وجود مزدوران وابسته به بعث بشهادت رسیدند گرامی می‌داریم

ما ضمن پشتیبانی از اقدامات انقلابی رفقای کومله در خلع سلاح ربا بود مزدوران رزگاری معتقدیم عملیات سازمان یافته کومله بر علیه سپاه رزگاری که با پشتیبانی مردم منطقه مواجهند نشاندهنده ضدیت و دشمنی خلق کرد و نیروهای انقلابی آن با عوامل مزدور و نیروهای وابسته است. بعلاوه این اقدامات نشان میدهد که خلق کرد به هیچوجه وجود مزدوران وابستگان به بعث را اصولاً هرگز نپذیرد و خواهد در این جهت قدم بردارد. جنبش مقاومت رایحه وجه المصالحه منافع ضد انقلابی خود تبدیل کند، تحمل نمی‌کند و قاضیان آنها را طرد و نابود می‌سازد. جنبش مقاومت خلق کرد مبارزهای عادلانه بوده و با هر گونه وابستگی مبارزه خواهد کرد. خلق کرد و نیروهای انقلابی آن پیروز مبارزه عادلانه خود را با تکیه بر نیروی خویش و نیروی لایزال همه خلقهای ایران امکان پذیر می‌دانند.

میهن بورژوازی را می‌خورد یا غم دفاع از زخم‌تکشان را؟ نمی‌توان خود را مدافع منافع طبقه کارگر خواند و آنوقت اینگونه به دفاع از منافع بورژوازی برخاست. راه کارگر دیروزی گفت "دولت جمهوری اسلامی ایران یک هدف مشترک با قدرتمندای امپریالیستی دارد. حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران و این هدف اساسی سیاست و عملکردهای آن دو در میهن ماست". و می‌افزود: "جنبش مقاومت خلق کرد یک جنبش ضد امپریالیستی است زیرا مبارزه خلق کرد بر علیه ستم ملی، مبارزه‌ای است بر علیه نظام وابسته به امپریالیسم و از این رو مبارزه خلق کرد، تداوم انقلاب ضد امپریالیستی خلق ایران است". (کردستان در مقاومت ضد امپریالیستی - راه کارگر شما و ۳۱ - تاکیدات از ماست) و امروز معلوم نیست چه معجزه‌های انجام گرفته است که یکبار "هدف مشترک" و "اساس سیاست" رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم صد و هشتاد درجه در مقابل هم قرار گرفت و امپریالیسم سر از مرزها در آورد ماست. "راکارگردر همان مقاله کردستان در مقاومت ضد امپریالیستی" می‌گوید: "خلق کرد برای مبارزه با امپریالیسم نمه مهربانهای امپریالیسم و نمه دولت اتکا نکرد مو با آن مبارزه می‌کند. همین وضع است در مورد دولت ضد خلقی عراق. دولت عراق همپا دولت ایرا نا اختلافاتی دارد و برای تحکیم قدرت خود و جلوگیری از رشد مبارزات توده‌های خود علیه دولت ایرا توطئه می‌کنند.

زهای میهن سرمایه داران یا مرزهای میهن زخم‌تکشان؟ اگر پاسداری از مرزهای کشور وظیفه خلق کرد است پس چه چیز مرز میان پیشمرگان انقلابی (و در واقع ارتقا انقلاب) و ارتش پاسداران (و در واقع ارتقا و گاه ضد انقلاب) را از یکدیگر جدا می‌کند؟ "راه کارگر هم دفاع از مرزها"

دفاع طلبان و رژیم بعث عراق قرار گرفته بود یا به این دلیل که خلق کرد در مبارزه برای رفع ستم ملی و طبقاتی مورد یورش رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت؟ "راکارگر" از پاسداری از "مرزها" صحبت می‌کند. ما سؤال میکنیم کدام "مرزها"؟ -

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جبهه‌وری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

دفاع طلبان ...
آیا توده های ایران با دیده دلیل دشمنی یک دولت ضد خلقی با دولت ایران از مبارزات برحق خود دست بکشند؟ نه ... (تاکیدات از ماست)
ولی اکنون قضیه کاملا بر عکس شده است، دیگر زمان عدم اتکاء به این یا آن دولت گذشته و در دشمنی میان دو رژیم ایران و

هیچگاه و در هیچ شرایطی حاضر نیست از سرکوب خلق کرد (و همه خلیقهای ایران) و در کوشش برای کردن هرگونه صدای حق طلبانه تا آنهاست بردارد، مگر اینکه در قدرت جنبش مجبوریه بعضی عقب نشینیها شده باشد. زیرا رژیم دشمن طبقاتی خود را خوب می شناسد و میدانند که میتوانند با عراق و آمریکا کنار بیاید، ولی با توده های

کردستان در این شرایط، دلیل دیگری است بر ماهیت ارتجاعی رژیم، به دادن رهنمود به رژیم و پند و اندرز به آن می پردازد.
گرایش رویزیونیستی "راهکارگر چنان قوی است و جنگ آنچنان به آن دامن زده است که براحقی موضع دیروز خود را که میگفت "خلق کرد میدانند که دولت را باید وادار به عقب نشینی و سپس مذاکره کرد" ("راهکارگر" شماره ۳۲ مقاله پرچم خونین ... "تاکید از ماست) فراموش می کند و زبان نصیحت به رژیم را بکار میگیرد.

"راه کارگر" از پاسداری از مرزها صحبت میکند، اگر پاسداری از مرزهای کشور وظیفه خلق کرد است، پس چه چیز مرز میان پیشمرگان انقلابی (و در واقع اردوگاه انقلاب) و ارتش و پاسداران (و در واقع اردوگاه ضد-انقلاب) را از یکدیگر جدا میکند؟ "راه کارگر" غم دفاع از مرزهای میهن بورژوازی را میخورد یا غم دفاع از زحمتکشانش را؟

اول آتش بس

بعد صلح پایدار

و سپس ...

اما متأسفانه مسئله باز هم به اینجا خاتمه نمی پذیرد "راهکارگر" در ادامه و تعمیق انحرافات رویزیونیستی گذشته اش و به دلیل نزدیکی فراوان مواضع امروزش به سوسیال شونیستها، مبارزه طبقاتی را به فراموشی می سپرد و به تبلیغ ایده رویزیونیستی صلح پایدار تحت حاکمیت بورژوازی دست می زند؛ "در این شرایط اوج گیری توطئه های امپریالیسم بر علیه زحمتکشانش ایران، برقراری آتش بس در کرد -

انقلابی نه اما "راهکارگر" کاری به واقعیات ندارد، چرا که مسئله "راهکارگر" دفاع از میهن است و پاسداری واقعیات را قربانی تمایلات انحرافی خود نمود. پس باید به رژیم درس اخلاق داد. قطع سرکوب خلق کرد یک ضرورت فوری است، مانع (منظور کشتار و سرکوب وحشیانه و مداوم خلق کرد توسط ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع است) را از سر راه خلق کرد بردارید تا در صفوف مقدم مبارزه علیه متجاوزین بعضی قرارگیری (همان اعلامیه)، لازم است نیروهای نظامی رژیم از این منطقه خارج شوند و به جبهه های جنگ ایران و عراق بروند" (نقل - بمعنی از سخنی با کومله)

عراق باید دیگر، خلق کرد پایستی از مبارزات برحق خود دست بکشد و به دفاع از مرزهای میهن نلنند شود. اکنون بخشی از توان نظامی خلق کرد را پایستی برای مقابله با تجاوز رژیم عراق اختصاص داد (جزوه سخنی با کومله - راه کارگر کردستان) اگر تا دیروز میان رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم هدمشترک وجود داشت و اساسی ستاند و یکی بود امروز خلق کرد و رژیم جمهوری اسلامی اندک "هدف مشترک" پیدا کردند و اساس سیاستشان یکی شده است!

راه کارگر

به رژیم درس اخلاق میدهد

اما هنوز مسئله تمام نیست راه کارگر چنان مسئله آتش بس را مطرح می کند که گویا سوء تفاهمی خلق کرد را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار داده است. رژیم جمهوری اسلامی طی نزدیک به دو سال عمر خویش در مراحل مختلف و از جمله در همین پھیوچه جنگ با عراق نشان داد ماست که

"راه کارگر" بجای افشای سرکوب و کشتار خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی - می جت در شرایط جنگ ایران و عراق، به دادن رهنمود و پند و اندرز به آن می پردازد.

ستان و آغاز مذاکره به جهت یافتن راه حلی که تضمین کننده صلح پایدار در این قسمت از خاک میهن ما باشد، بیش از هر هنگام دیگری ضرورت خود را نشان میدهد" (اعلامیه ۱۳/۷/۵۹ راه

به این ترتیب "راهکارگر" به جای افشای سرکوب و کشتار خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی و نشان دادن این امر که ادامه این سرکوب حتی در شرایط جنگ ایران و عراق و تمرکز بخش عظیمی از نیروهای ارتش و پاسدار در

دفاع طلبان . . .
کارگر کردستان - تاکید از ماست
ابتدا از رژیم تقاضای آتش بس
کردن و به آن پند و اندرز دادن ،
سپس از لزوم برقراری صلح پایدار
دم زدن و آنگاه . . . ! و همه
اینها تحت پوشش به اصطلاح

ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم
را زیر پا بگذارد . "راهکارگر" بر
پلی شکسته قدم گذاشته است !

نتیجه محتوم دفاع طلبی چیست ؟

"راه کارگر" در ادامه و تعمیق انحرافات رویزیونیستی گذشته اش و به دلیل
نزدیکی فراوان مواضع امروزش به سوسیال شونیستها ، مبارزه طبقاتی را به
فراموشی می سپرد و به تبلیغ ایده رویزیونیستی "صلح پایدار" تحت حاکمیت
بورژوازی دست میزند .

مقابله با خطر امپریالیسم و تجاوز
عراق و حفظ منافع زحمتکشانش !
اینست راهی که به ترکستان
رویزیونیسم می انجامد . آیا
سازمان چریکها (اکثریت) نیز
همین مسیر را در تبلیغات و مو
ضعگیری های خود راجع به
کردستان و جنبش مقاومت طی
نکرد ؟

وقتی موارد فوق را در کنار
نکات بسیاری* از جمله این
قرار داریم که دیگر در نوشته های
"راهکارگر" صحبتی از ضد خلقی
و آمریکایی بودن ارتش نیست
و از ارتش شاهنشاهی دست پروریه
مستشاران آمریکایی ، اسرائیلی و
انگلیسی و آرگان اجرائی امپری
الیسم** فقط تحت عنوان ارتش
جمهوری اسلامی نام برده میشود ،
شتاب تاسف بار و حرکت قهقرایی
"راهکارگر" بسوی ورطه رویزیونیسم
بهتر مشخص میشود . در واقع "راه
کارگر" به تبع وضعی که نسبت به
جنگ اتخاذ کرده است ، در پهنه
نظری و عملی مجبور است بیش
از پیش اصول انقلابی در برخورد
به جنبش مقاومت خلق کرد بعنوان
جزئی از جنبش انقلابی خلقی

با توضیحات فوق مشخص می
شود که "راهکارگر" و "وزمندگان" بعنوان
نمایندگان اصلی نیروهای "دفاع
طلبی"*** چه مواضع عمیقاً
انحرافی ای در حال حاضر
نسبت به جنبش مقاومت و اوضاع
کردستان اتخاذ کرده اند . اما
روشن است که این مواضع جدا
از درک انحرافی آنها از ماهیت
هیئت حاکمه و جدا از موضع آنها

ادامه مقاومت مسلحانه خلق کرد
در مقابل سرکوب رژیم و گسترش
مبارزه علیه آن باشند . موضع
"دفاع طلبی" ناگزیر است خواهن
گشودن "جنبه سوم" (رزمندگان)
"جنبه تازه" (راهکارگر) در کردستان
بر اساس "حسن نیت" رژیم و
نیروهای سرکوبگر آن باشد . حال
اگر رژیم توجهی به درخواستهای
عاجزانه "دفاع طلبان" مانکنند
(کمنی کند) و به سرکوب خلق
کرد ادامه دهد (که وحشیانه -
تر ادامه میدهد و آینه در قاش " و
صوفیان و " . . . را می آفریند)
و جنبه تازه علیه رژیم عراق در
کردستان نگشاید (کمنی گشاید
زیرا برای او مسئله اصلی سرکوب و
نابودی جنبش مقاومت است) معلوم
نیست "دفاع طلبان" ما چه برنامه ای
برای خلق کرد و جنبش مقاومت
تجویز می کنند . مختصراً اینکه در
صورت عدم برآورده شدن درخواست
ستهای "دفاع طلبان" آنها چه
خواهند کرد ؟ آیا جز کناره کشیدن از

کسانی که تودها را به شرکت در جنگ در خوزستان فرامیخوانند ، نمی
توانند در کردستان خواهان ادامه مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق کرد
در مقابل سرکوب رژیم و گسترش مبارزه علیه آن باشند .

جنبش مقاومت راه دیگری باقی می
ماند ؟ طبق موضع آنها نسبت
به جنگ ایران و عراق و مسائلی که
در سطوح فوق بدان اشاره کردیم ،
بی تردید تجویز آنها آتش بسی
یک جانبه از طرف نیروهای سیاسی
فعال در کردستان و عبارت دیگر
انجام همات حرکتی باید باشد که
سازمان چریکها (اکثریت) مطر
ساخت و عملی نمود . "دفاع طلبان"
اگر بخواهند به موضع خود در رابطه
با جنگ ایران و عراق وفادار باشند ،
نمی توانند در خوزستان علیه
عراق بجنگند و در کردستان علیه
رژیم جمهوری اسلامی . به دیگر

نسبت به جنگ ایران و عراق نیست ،
بلکه در واقع نتیجه بلا فصل آنست
زمانیکه ماهیت جنگ میان ایران
و عراق عادلانه قلمداد شده ، جنگ
از جانب عراق بعنوان "هجوم
امپریالیستی" معرفی گردیده و لزوم
شرکت در این جنگ مطرح میشود
طبیعی است که از رژیم جمهوری
اسلامی تقاضای آتش بس شود
و بجای ادامه مبارزه علیه رژیم لزوم
قطع آرو برقراری صلح مطرح گردد .
کسانی که تودها را به شرکت در جنگ
در خوزستان فرامیخوانند ، نمی
توانند در کردستان خواهان

بقیه در صفحه ۱۶

توطئه های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم !

جاشهابه جان هم افتاده اند

اخیراً روزنامه جمهوری اسلامی بتاريخ ۲۶ آبان اعلامیه‌ای از سا- زمان باصطلاح "پیشمرگان مسلم" کرد "؟ (!)" چاپ کرده است عنوان این اعلامیه این است: "یک جریان انحرافی و توطئه‌گر که در سا زمان پیشمرگان کرد رخنه کرده بودند شناسائی و افراد آن دستگیر شدند" و در آن تروریسم و خفقان در هر لباسی را "محکوم کرده است". بدنبال انتشار این اعلامیه، این بار نامه‌ای تحت عنوان "نامه گروه‌های مختلف کردستان به امام خمینی" در روزنامه "انقلاب اسلامی" بتاريخ ۱ آذرماه چاپ شده است که در آن از اینکه مفتی زاده هم مورد آزار و اذیت قرار گرفته و اثاث و اسباب منزلش تفتیس و محافظانش را دستگیر کرده‌اند، شکایت شده است.

انتشار این دو نوشته در دو روز نامه مختلف، که هر کدام وابسته به یک جناح از هیئت حاکمه‌اند، نشاندهنده اوگیری اختلافات میان جاشهابه موازات بالا گرفتن اختلاف میان دو جناح هیئت حاکمه است. "جاشهابه جان یکدیگر افتاده‌اند و همدیگر را پاره‌پاره میکنند" اما حقیقت چیست؟

مطابق اخبار رسیده، در تاریخ ۱۳ آبان، میان جاشی که طرفدار "مفتی زاده" است و یکی از افراد سپاه پاسداران درگیری لفظی پیش می‌آید. این درگیری لفظی ادامه یافته و جاش مذکور به تیراندازی می‌پردازد، در جریان این زد و خورد یکی از اهالی محل که افراد زحمتکش و نجاری بنام طهمورث حجت جلالی بوده، مجروح گشته و بعد از درورژ در بیمارستان به شهادت میرسد. در این جریان

عدای از جاشهاده‌ستگیر ضارب متواری میشود. بعد از ظهر همانروز در آن محل تجمعی با شرکت خانواده‌های جاشهای هوادار مفتی زاده انجام میشود، این تجمع مورد حمله سپاه پاسداران قرار گرفته و پراکنده میشود. خانواده‌های جاشها هر یکی به سمتی فرار میکنند، آنها ضمن فرار به هواداری مفتی زاده به "خمینی" دشنام میدهند.

عصر همانروز استاندار اطلاعیه‌ای میدهد که در آن گفته شده است که "یکی از پیشمرگان مسلمان کرد شخصی ببنگانه‌ی بنام حجت جلالی را مجروح کرده است و مورین انتظار می‌که می‌خواستند ویراد دستگیر کنند، "بعلت اینکه موقع نامناسبی را انتخاب کرده‌اند، منجر به درگیری شده و عدای زخمی شده‌اند" (!) بدنبال این جریان جاشهای "بزرگ" (به بزرگی خیانتشان!) چون عبدالرحیم احمدی (مسئول جاش‌های سنندج) اقبال بیگی، شاطر احمد و... بوسیله سپاه پاسداران دستگیر میشوند، بعداً مفتی زاده را هم به اتهام "تروریست" بودن، دستگیر و خانواده‌اش را تحت کنترل می‌گیرند. جریان فوق الذکر که نشان از اختلاف و شکافی دارد که میان دو دسته از جاشها اتفاق افتاده است. اما این اختلاف و منشا آن کدام است؟

از مدت‌ها پیش میان جاشهای هوادار مفتی زاده که متمایل به بنی صدر هستند و تلاش میکنند که "مفتی زاده" را بعنوان رهبر مذهبی سیاسی کردستان جا بزنند، با جاشهایی که منافع خود را در نوکری جناح حزب جمهوری اسلامی می‌بینند، اختلاف و درگیری بالا گرفته است این اختلافات و درگیریها بارها به اشکال مختلف خود را بروز

داده است. این اختلاف که خود انعکاسی از اختلافات میان جناح لیبرالها (بنی صدر) و حزب جمهوری اسلامی در هیئت حاکمه است. امروز حتی به شکل درگیری و دستگیری هواداران مفتی زاده هم در جزئیاتی که جاشهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی مفتی زاده را تروریست خطاب کرده‌اند. بدون شک اختلاف میان جاشها، موجب خوشحالی توده‌های خلق کرد است چه هردو باند جاشها، نوکران رژیم و سرمایه و مزدورانی هستند که با "میلغی ناچیز، راه‌خیانت‌بده خلق کرد را برگزیده‌اند" (هرجاش = ۳۰۰۰ تومان!) کینه‌توزی و دشمنی دویاند جاشها بیس از آنکه بین خودشان باشد، با توده‌ها و نیروهای انقلابی است. هردو آنها را اعلامیه و نامه‌هایشان که در روزنامه‌ها عیوابسته به رژیم چاپ شده‌اند، این حرکت را "مفید" بخوان: (انقلاب) خوانده‌اند مهم‌تر اینکه سازمان باصطلاح "پیشمرگان مسلح" کرد "نوشته است تروریسم و خفقان در هر لباسی محکوم است" (!) آنها چه کسی را می‌خواهند بفریبند؟ مادران سنندجی را که فرزندان شان بوسیله همین "خوکها" به جرم "صد انقلاب" به زندانها افکنده میشوند خانواده همسائی که خون پاک فرزندان شان که با افتخار و بنام پیشمرگه، بدست همین جنایتکاران بر زمین ریخته شده است و یا مردم حاجی آباد "گردی گرو" و... سنندج و "حما آباد" سقز و مردم میوان را که به بهانه‌های مختلف مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند را. برآستی که آنها بسیار احمقند و حماقت آنها نیز با پول "جاشی یعنی" قابل علاج نیست حماقت آنها طبقاتی بوده و بیستی

بقیه در صفحه ۱۲

حزب دمکرات در دفاع از مالکان

اخیراً حزب دمکرات در روستای عزیزکند دستبه خلع سلاح پیش مرگان "رامکارگر" زد. بعد از این اقدام حزب دمکرات در اطلاعیه ای بتاريخ ۲۲/۸/۵۹ به امضای تشکیلات مهاباد خود، اخطار کرده که ... بعد از این اقدامات جراتی کلیه سازمانها و گروهها و افراد متفرقه ... جلوگیری خواهد کرد.

عمل حزب دمکرات و اطلاعیه‌ای که بدنبال آن صادر کرده است بیانگر این واقعیت است که حزب از مباحثه رزه طبقاتی و آگاهی توده‌ها و حرکت آنها در جهت کسب منافع طبقاتی خود به وحشت و هراس افتاده است. حزب دمکرات در روستای عزیزکند به این بهانه دست به خلع سلاح پیشمرگان "راه کارگزرد" ماست که آنها در مصادره زمینهای اربابان به توده‌های روستای مذکور، کمک کرده‌اند. اطلاعیه بعدی و تهدید و خط و نشان کشیدنهای حزب نیز در توجیه و بیان این سیاست ضدیت با توده‌هاست حقیقت این است که حزب دمکرات که "رساله" دفاع از منافع بورژوازی و زمینداران کرد را برای خود قائل است، نمی تواند شاهد اوج گیری مبارزه طبقاتی در کردستان و رشد و نفوذ نیروهای انقلابی باشد، چه نیک میدانند اوج گیری مبارزه طبقاتی، موجودیت خود "حزب" را به خطر می افکند و توهم توده‌ها را نسبت به این حزب، که امروز تحت پوشش مسئله ملی و مبارزه برای خود مختاری ماهیت حقیقی خویش را

پنهان کرده است، خواهد ریخت. از طرف دیگر اوضاع سیاسی کنونی به حزب امکان میدهد که تمایل خود را نسبت به اعمال حاکمیت بلا منازع و قدرتی "در کردستان" پنهان نکند و در اطلاعیه می نویسد: "هیچ اقدامی جز با اجازه یا مشورت حزب دمکرات کردستان ایران - مشروعیت اجرائی (؟) نخواهد داشت. مسئولیت اقدامات جنجالی انگیز و مخالفت با مفاد این اعلامیه بعهدده فرد یا سازمان عمل کننده خواهد بود" به این ترتیب حزب دمکرات سیاست خود را در قبال توده‌ها و نیروهای انقلابی بهسراحت میگوید: توده‌ها حق ندارند به مبارزه طبقاتی بپردازند (؟) و در جهت کسب منافع طبقاتی خود دست به مصادره اموال مالکان و زمیندارانی بزنند که سالهای سال خون آنها را در شیشه ریخته‌اند. واقعیت این است که بررسی عملکردها و سیاست حزب در طول جنبش مقاومت نشان میدهد که این اولین و آخرین حرکت حزب نبوده بلکه نمونه‌ای از سلسله زورگوئیها و اجحافاتنی است که بر توده‌های خلق کرد و بویژه بر زحمتکشان روانمیسازد. سیستم مالیات گیری حزب که با آزار و اذیت توده‌های فقیر روستاها اعمال میشود، و آنها را امیدار تا به ازا "هر خرید و فروش به حزب مالیات" و باج بپردازند، امری در بسیاری از نقاط کردستان کسه حزب حضور دارد، بصورت يك امر عادی درآمد ماست (در منطقہ اشنویه و سردشت بویژه با عباد این زورگوئیها بسیار شدید است) لیکن حزب با این اعمال خود، تیشه به ریشه خود میزند. چه توده‌های

انقلابی به هیچ وجه حاضر نیستند قدمی به عقب گذاشته و از منافع طبقاتی خود دست بردارند. مبارزه خلق کرد فقط مبارزه ملی نیست بلکه همچنین مبارزه‌ای است در جهت نابودی ستم طبقاتی، نیروهای انقلابی و کمونیستها وظیفه دارند که مبارزه ملی بدهند. این وظیفه همیشگی کمونیستها بوده و هیچ نیروئی قادر نیست آنها را در اجرای این وظایف مانع شود، حزب دمکرات نیز بیهوده میکوشد که با تهدید خلع سلاح و سیاست تهدید و ارعاب، نیروهای انقلابی و کمونیست را از این مهم بازدارد.

حزب در گوشه دیگری از اطلاعیه فوق می نویسد: "سازمانها و گروه های سیاسی در انجام فعالیت های سیاسی خود کاملاً آزادند (؟) و حزب دمکرات کردستان از تمام آزادیهای دمکراتیک دفاع خواهد نمود. اما مصادره اموال و دارائیهای مردم ... از قدرت و صلاحیت سازمانها و گروهها خارج بوده و حزب دمکرات کردستان ایران این اعمال را در حد مخالفت و ایچا تفرقه و آشوب در صفوف خلق به حساب می آورد."

مضحک است اینطور نیست؟ حزب دمکرات از یک طرف خود را مدافع آزادیهای دمکراتیک می خواند از طرف دیگر کمونیستها را تهدید می کند، که حق ندارند، به توده‌ها در احقاق حقوقشان یاری رسانند، این دمکراتیسمی حزب دمکرات قبل از اینکه نشانی از دمکراسی داشته باشد، بیانگر عوامفریبی آن است. رژیم جمهوری اسلامی نیز

مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی جدا نیست

همین حرف رایه انقلاب بیرون و کمونیستها میزند: آزادی بشری که تنها آن عملی را انجام دهید کمی میگویم. واقعیت اینست که در کردستان بعد از نزدیک به دو سال که از جنبش مقاومت میگذرد، مبارزه طبقاتی نیز به موازات مبارزه علیه رژیم به پیش میبرد. هر چه مبارزه وسیع تر شد و عمق بیشتری بیاید، حزب به ناگزیر، بمقابله بیشتری در برابر توده ها کشیده خواهد شد. نتیجه عملی آن نیز از هم اکنون روشن است: ارتقاء سطح آگاهی و مبارزاتی توده ها، رشد نیروهای انقلابی و انفرادی حزب دمکرات. تصور این نتیجه برای حزب، وی را باین فکر انداخته است که از سر نوشت محتوم خود جلو گیرد. اما آیا ادعای "حزب فراگیر" بودن می تواند ناجی حزب باشد؟ سازمان ما بعنوان بخشی از نیروهای فعال در جنبش مقاومت خلق کرد، وظیفه انقلابی خود میداند که عمل خلع سلاح پیش مرگان "راه کارگر" توسط حزب - دمکرات را محکوم کرده و معتقد است که وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با افشاء ماهید، و عملکرد های حزب دمکرات، و مقاومت در برابر تهدیدات آن از منافع خود - سوانقلاب دفاع کرده، دستاورد های جنبش مقاومت خلق کرد را ارتقاء دهند.

* لازم به توضیح است که محکوم کردن خلع سلاح پیشمرگان "راه کارگر" توسط حزب دمکرات نمی تواند به معنی دفاع از نظرات "راه کارگر" و آن سیاستی باشد که "راه کارگر" به جنبش مقاومت ارائه میدهد. در اینجا می جز آستی طبقاتی و اجتماعی از مبارزه نیست، در همین شماره پیکار کردستان در مقاله "دفاع طلبان و جنبش مقاومت" ما با نظرات این رفقا برخورد کردیم.

سرمقاله ۰۰۰

لحاظ نه تنها نمیتواند منافی متضاد با منافع خلقها و توده های ستمدیده ایران داشته باشد، بلکه اساسا خود مبلغ دوستی و مبشر برادری خلقهای ایران است. بدیهی است که انجام چنین رسالتی نمیتواند بصورت موعظه های اخلاقی و یا استغاثه های مظلومانه باشد، بلکه سیاست مقاومت مسلحانه در برابر این حملات، افشاگری رژیم و تبلیغ برادری خلقها تنها و یگانه شیوه انقلابی است که میتواند به خود متگرم شود.

در برابر این سیاست انقلابی، سیاست فرصت طلبانه حزب دمکرات قرار میگیرد. حزب دمکرات در برابر این قتل عامها چه میکند؟ او در روستاها به تبلیغ و تهییج خلق کرد بر علیه "ترکها" میپردازد، او توده های کرد را به انتقامجویی دعوت میکند و خود دست به عمل متقابل میزند. حملات "حزبیه" شهرهای ارومیه، میاندوآب، نقسده و روستاهای ترک نشین، نشان دهنده ناسیونالیسم افراطی و تنگ نظری است که نماز موضع دفاع از خلقها بلکه از موضع دفاع از منافع بورژوازی دست به عمل متقابل میزند. هنگامی که حزب دمکرات علیرغم مخالفت اهالی روستای کرد نشین "رسول آباد" دست به حمله به روستای ترک نشین کرد مرش میزند، و در نتیجه حمله ۴ نفر از جمله یک زن بشهادت میرسد و ۵ کودک خرد سال زخمی میشوند، میبایست در برابر خلق کرد پاسخگو باشد که چرا خون زحمتکشان ترک را بر زمین میریزد و همچنین باعث تفرقه میان خلقها شده و در نتیجه موجب تقویت ارتجاع میگردد.

حزب دمکرات بیهوده میکوشد خود را تحت پوشش شعار عوام فریبانه خود مختاری برای کردستان، دمکراتی برای ایران بیوشاند. کجای این

اعمال حزب دمکرات میتواند نشانی از "دموکراسی برای خلقهای ایران" داشته باشد؟ مقصود اساسی حزب دمکرات، از چنین حرکاتی تنها برانگیختن و استفاد از احساسات توده های کسب - دریدر جهت کسب اعتبار و ایجاد توهم نسبت به خود در ذهن توده های عقبمانده خلق کرد است. حزب دمکرات نه فقط به این وسیله مبلغ دشمنی خلقها و پراکندگی صفوف مبارزاتی آنان میگردد بلکه مرز عادلانه نمودن جنبش مقاومت را در آن توده ها مخدوش میسازد و به بلند گویای رژیم امکان میدهد که باران توهین و سیل افترا را بر علیه اهداف جنبش مقاومت جاری سازد. روشن است که این حرکت حزب دمکرات مورد تایید توده ها و نیروهای انقلابی جنبش مقاومت نبوده و محکوم است. اگر چه این سیاست سرکوب و قتل عام رژیم جمهوری اسلام است که زمینه ساز حرکات و اعمال حزب دمکرات میباشد که بهیچ وجه در جهت منافع خلق کرد نبوده و بلکه بر علیه آن بکار می رود. کشتارهای اخیر که بوسیله عوامل رژیم در منطقه صورت میگیرد، مورد تنفر و انزجار توده ها بود. هر از طرف زحمتکشان ترک با حرکات اعتراضی مورد مخالفت قرار میگیرد. در هفته های گذشته تجمع مردم میاندوآب در برابر کمیته های شهرو ابراز مخالفت و اعتراض به سرکوب خلق کرد و تهاجم به روستاها و همچنین مخالفت بخشی از مردم ارومیه با اعمال "ملاحسنی" خود حکایت از عدم توافق توده ها و اعتراض آنها نسبت به این جنایت است.

اخیرا نمایندگان شوراهای روستا - های ترک نشین منطقه سلدوز دست به اقدامی انقلابی زد ماند، آنها به روستا های کرد نشین رفتند و از زحمتکشان کرد خواستند که از هر دو طرف مانع حمله به روستاها و قتل عام سوزاند

خانه و کاشانه زحمتکشان گسردند مردم روستای رسول آباد نیز به هنگام حمله حزب دمکرات به گرد مرز با این حرکت مخالفت کرده و چون حزب تشبیه به اعتراض تودهای توجه بوده به ناگزیر به ترک روستا دستزده اند و این سری از حرکات تودهای نشانه دهند و خشم و نفرت تودهای ترک و کرد از این جنایات و کشتارهاست که زحمتکشان منطقه را در برابر هم قرار میدهد.

اخبار رسیده همچنین حکایت از مقاومت مسلحانه روستائیان گانی سپی گیلی، گنده قولان و در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم دارد. مثلاً در روستای گیلی واقع در ۲-۳ کیلومتری جنوب جاده جلدیان - گردکشان به هنگام حمله نیروهای مهاجم رژیم ابتدا زنهای و کودکان را از روستا خارج و سپس دست به مقاومت میزنند که مهاجمین در اثر مقاومت و دلورانه روستائیان و پیشمرگان و ادار به عقب نشینی میشوند.

مقاومت مسلحانه زحمتکشان روستاهای فوق نشان دهند مابین واقعیت است که رشد و گسترش جنبش مقاومت با ابعاد وسیع تودهای یافته است و تودهای کرد را به ضرورت دفاع از منافع و حقوق خود و امیدارد. این مقاومت تودهای میبایست از طرف نیروهای انقلابی مورد توجه قرار گرفته و موجب تلاش در جهت ساز ماندن مقاومت مسلحانه توده ای گردد پس سیاست کمونیستها در برابر این قتل عام زحمتکشان کرد توسط عمال رژیم چه باید باشد؟ قبل از هر چیز کار تبلیغی - توضیحی و افشاگرانه حول این جنایات رژیم و بر مبنای آن ارائه تاکتیک مقاومت تودهای تودهای، تسلیح و سازماندهی تودهاست.

مادر "جولها" در سخنرانی و کار تودهای خود ماهیت این کشتارها را که بدست عمال جنایتکار رژیم چون ملاحسنیها و معبودیها صورت می

گیرد را افشا میکنیم و به تودهها توضیح میدهم که عکس العمل حزب دمکرات که از موضع ناسیونالیستی و مخالف منافع خلق کرد صورت میگیرد آب به آسیاب دشمن میریزد و آتش کینه و نفرت خلقهای ترک و کرد را دامن میزند. و اضافه میکنیم که این جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است که زمینه ساز اعمال فرصت طلبانه و ضد انقلابی حزب دمکرات میگردد.

لیکن افشاگری به تنهایی کافی نیست میبایست نه فقط تودها را به مقاومت تشویق کرد بلکه عملاً به سازماندهی و تسلیح تودها، بویژه در مناطقی که در معرض تهاجم دارو دسته های مرتجع هستند پرداخت.

از نظر سازماندهی مقاومت تودهای شوراهای ده، مناسبترین شکل سازمان برای مقاومت تودهای در روستاهاست. شورای ده تحت هدایت و رهبری پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت میتواند ضمن تسلیح خود برای پیشگیری و تأمین امنیت لازم، محلهای امن برای حفاظت احشام و... را سازمان دهند. مثلاً در جریان هجوم سرکوبگران به روستای رسول آباد اگر قبلا تدارک وسایل حمل و نقل از رودخانه دیده شده بود، از تعداد تلفات زحمتکش کاسته میشد.

به هنگام درگیری با مزدوران رژیم پیشمرگان و شوراهای مسلح سایر روستاها موظف هستند که به کمک روستاهای مورد تهاجم بشتابند و در جریان خسارات وارد کمک نمایند از سوری، دیگر برای اینکه تودها و زحمتکشان سراسر ایران ماهیت جنایات این رژیم را که امروزه در پوشش جارو جنگا عراق، در کردستان صورت میگیرد بهتر بشناسند برای اینکه ماهیت ارتجاعی هیئت حاکمه جنگ ایران و عراق را برملا ساخته و پرده توهم تودها را درید کمونیستها و نیروهای انقلابی موظفند که

دفاع طلبان و سخن سمب اصلی مبارز (ضربه) نمی تواند جغرافیایی تعیین شود: در یک منطقه علیه رژیم عراق و در یک منطقه علیه رژیم جمهوری اسلامی. این تناقض است که با حفظ موضع "دفاع طلبی"، در عمل همانطور که گفتیم به نتیجه ای میرسد که سازمان چریکها (اکثریت) رسید اینست نتیجه منطقی و عملی "دفاع طلبی" در جنبش خلق کرد اینجاست که گرایشات و مواضع تند رویونیستی پوسته مارکسیستی خود را می شکنند و در پهنه نظری و عملی به منصفانه ظهور می رسند. * توجه به دفاع از شوراهای فرمایشی اسلامی بعنوان نطفه های شوراهای لنینی (مقاله در کجا ایستاد مایم" راه کارگر - شماره ۳۸) در گذشته و ارائه شعار "افزایش تولید در شرایط جنگ ایران و عراق، توسط راه کارگر" مسئله را با زهم روشنتر می سازد. در مورد شعار اخیر و مفهوم آن مراجعه کنید به شماره های ۸۱ و ۸۲ "پیکار" مقاله "افزایش تولید در جنگ ارتجاعی شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار" * نقل قولهای داخل گیومه از جزوه "جنگا فروری های هیئت حاکمه در کردستان به نفع کیست" راه کارگر کردستان. * * * لازم به توضیح است که "دفاع طلبی" راه کارگر بشدت به ایدهای سوسیال شونیستی آغشته است و وجوه اشتراک بسیاری با آنها دارد.

در مقابل یورش ارتش و پاسداران و جاشها
 زحمتکشان "سیدآباد" لاجین و "آیندرقاش" مسلحانه ایستادند

هیئت حاکمه ضد خلقی همچنان به سیاست قتل عام زحمتکشان کرد ادامه میدهد و هرروز شاهد نمونه های جدیدی از پیاده کردن این سیاست جنایتکارانه هستیم. سیاستی که یکبار دیگر پرده از چهره کریه حکومت "مدافع مستضعفین" برد میدارد و ماهیت ضد مردمی آنرا به نمایش می گذارد. این یک جنبه از واقعیت است، جنبه دیگر آن مقاومت و پایداری زحمتکشان کرد است که در مقابل این همه وحشیگری و سرکوب خونین تسلیم نشده و قهرمانانه به دفاع از هستی و زندگی خود برخاسته اند. خلق کرد بدرستی دریافته است که تنها با ادامه مقاومت و پیشبرد مبارزه انقلابی است که می توان به مقابله با مزدوران رژیم پرداخت و مانع از تکرار فجایع و قتل عامها بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی گردید.

متن زیر گزارش مختصری است از مقاومت قهرمانانه مردم روستای سیدآباد، لاجین و آیندرقاش (که همین جندی قبل ۲۶ نفر از مردم آن توسط مزدوران رژیم قتل عام شدند) این گزارش بیانگر تسلیم ناپذیری و اراده خلق ناپذیر زحمتکشان در مبارزه برای رهایی از زیر یوغ هرگونه ستم و استثمار است. جریان واقعه به این ترتیب بود که در روز ۱۲/۹/۵۹ ساعت ۸ صبح ستونهایی از نیروهای ارتش، پاسداران و جاشها برای به اصطلاح "پاکسازی" و در واقع برای سرکوب و کشتار مردم روستا از مهاباد پطرف دهات سیدآباد "لاجین" و آیندرقاش حرکت کردند. ولی در هر ۳ روستا با مقاومت دلیرانه

و یکپارچه مردم روستاها و پیشمرگان روبرو شدند. در این درگیریها که حدود ۱۲ ساعت بطول انجامید مردم قهرمانانه به دفاع از خویش پرداخته و به کمک پیشمرگان نیروهای سرکوبگر را به عقب راندند. مزدوران رژیم نه تنها نتوانستند وارد روستاها شوند بلکه با دادن تلفات زیاد مجبور به بازگشت به مهاباد شدند. نیروهای ضد خلق ناتوان از درهم شکستن اراده مردم و پیشمرگان در هنگام عقب نشینی با پرتاب خمپاره از تپه "داشامجید" (تپه مشرف بر شهر مهاباد) بسوی مناطق مسکونی اطراف شهر، ۳ خانه مسکونی را در محله "مجبورآباد" ویران کردند.

طبق اخبار موجود در مقابله مردم و پیشمرگان در روستاهای فوق بانبروهای سرکوبگر رژیم شنس نفر ارتش به هلاکت رسیدند و یک پیشمرک دمکرات بنام "مصطفی" به شهادت رسید. در این جریان همچنین ۲ پیشمرک و ۲ نفر از اهالی سیدآباد زخمی گردیدند.

بماین ترتیب مقاومت و پایداری مردم نه تنها باعث شد قتل عامهای آیندرقاش و ۰۰۰ تکرار نشد، بلکه برعکس ضربات مهمی بر خود مزدوران رژیم نیز وارد آمد. علاوه این مقاومت دلاورانه نشان داد که زحمتکشان کرد در مقابل هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم تنها با زبان اسلحه می توانند سخن گویند. این نمونه و بسیاری نمونه های دیگر نه تنها یکبار دیگر ماهیت خیانتکارانه شعار صلح عادلانه سازمان چریکها (اکثریت) را بر ملا می سازد، بلکه همچنین ماهیت شعارهای انحرافی نیروها بی چون را مکارگر و ژرمنندگان که از رژیم نقضای آتش بس میکنند و به آن پند و اندرز میدهند را بخوبی عیان می سازد. زیرا اگر مردم روستاهای سیدآباد و ۰۰۰ می خواستند صحبت آنها گوش کنند و دوشیوه ای که آنها میکنند عمل کنند اکنون شاهد "قارناهای دیگری بودیم".

* برای توضیح بیشتر به سرمقاله همین شماره مراجعه نمائید.

